

چشم اندازی بر اصول روابط و مناسبات تمدن ساز امت اسلامی در برخورد با سایر ملل و ادیان با رویکردی بر سبک زندگی پیامبر اکرم (ص)

چشم اندازی بر اصول روابط و مناسبات تمدن ساز امت اسلامی

در برخورد با سایر ملل و ادیان با رویکردی بر سبک زندگی پیامبر اکرم (ص)

فاطمه سلطان محمدی

چکیده

این نوشتار درصدد است تا سبک زندگی تمدن ساز امت اسلامی در ارتباط با ادیان دیگر در حوزه روابط و مناسبات را با تکیه بر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با هدف تبیین صحیح یکی از ابعاد سبک زندگی اسلامی و تصحیح نگرشهای دیگران نسبت به امت اسلامی تحلیل نماید. برای نیل به این مقصود، با استفاده از روش تاریخی و توصیفی - تحلیلی، اصول کلی حاکم بر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، برخورد پیامبر با اهل کتاب ذمّی به ویژه یهودیان، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به اهل کتاب معاهد و مهادن با توجه به پیمانها و نامه‌های پیامبر و سرانجام، برخورد ایشان با اهل کتاب محارب مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و اثبات گردد که سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و به تبع آن، مسلمانان با تمام پیروان ادیان دیگر مسالمت آمیز بوده و تنها در صورت تعرض

خصمانه آنان، با عکس العمل دفاعی و قاطعانه پیامبر و مسلمانان مواجهه می‌شد.

کلیدواژه ها: سبک زندگی، تمدن ساز، امت اسلامی، ملل، ادیان

مقدمه

تنظیم روابط امت اسلامی با ادیان و ملل دیگر و نوع تعامل با آنان در فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه بوده است و این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که سبک زندگی امت اسلامی با ادیان و ملل دیگر چگونه باید باشد؟ از این رو، مسئله تحقیق حاضر این است که سبک زندگی امت اسلامی که به نوعی پایه گذار یک تمدن اسلامی است در ارتباط با ادیان دیگر در حوزه روابط و مناسبات با تکیه بر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چگونه است؟

درباره سبک زندگی و سیره امت اسلامی با پیروان ادیان دیگر، باید بین دو حوزه پژوهش و بررسی آیین و ادیان آسمانی، و حوزه حقوق و روابط و مناسبات تفکیک قابل شد.

در حوزه اول باید تحقیق و بررسی کامل صورت گیرد تا بدون مسامحه و سهل انگاری حق مشخص شود. اما در حوزه دوم که حوزه حقوق و قوانین مدنی ادیان آسمانی و حوزه روابط و مناسبات با غیرمسلمانان است، باید با رعایت قانون و حقوق پیروان ادیان با آنان رفتار نیکو داشت و با مسامحه و سهل گیری برخورد نمود.

در تحقیق حاضر، سیره امت اسلامی با پیروان ادیان دیگر در حوزه دوم، یعنی حوزه حقوق و روابط و مناسبات، بررسی می‌شود.

مراد از «سبک زندگی»، هر چیزی است که متن و جوهره زندگی انسان را تشکیل می‌دهد؛ یعنی همان فرهنگی که مردم بر اساس آن زندگی می‌کنند که در امت اسلامی بر مبنای خدامحوری است؛ نظیر خانواده، آداب و رسوم ازدواج، نوع لباس، تفریحات، الگوی مصرف، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی و هرچه که در اثر نگاه افراد به زندگی و تعریفشان از اهداف خود به وجود می‌آید.

مراد از «سیره» در این تحقیق، نوع رفتار عملی با پیروان ادیان دیگر است و منظور از «ادیان دیگر»، اهل کتاب می‌باشند؛ یعنی کسانی که به دین اسلام معتقد نیستند و - به اصطلاح - کافرند،

اما به یکی از ادیان توحیدی مانند یهودیت، مسیحیت و یا زرتشت اعتقاد دارند.

اهمیت و ضرورت مسئله زمانی روشن میشود که توجه داشته باشیم در جنگ نرم، یکی از راهبردهای اصلی دشمن، تغییر سبک زندگی بر پایه تمدن اسلامی فاخر مسلمانان است که متأسفانه بر اثر غفلت ها، موفقیت هایی نیز داشته است. به نظر میرسد برای جلوگیری از صدمات بیشتر، و ترمیم کاستی ها، نیاز به یک کار جهادی و انقلابی همه جانبه است.

در همین زمینه، در آستانه دهه پیشرفت و عدالت و در آغاز ورود به مرحله چهارم از مراحل پنج گانه انقلاب اسلامی (نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی)، رهبر فرزانه انقلاب، بحث تئوریک، انتقادی و دقیقی را با عنوان «سبک زندگی» مطرح نمودند. ایشان در جمع دانشجویان و جوانان خراسان شمالی در سال 1391 تمدن سازی نوین اسلامی را دارای دو بخش «ابزاری» و «حقیقی و اساسی» دانسته و یادآور شدند: بخش ابزاری یا سخت افزاری این تمدن، موضوعاتی است که در فضای امروز، به عنوان نموده‌های پیشرفت مطرح میشود؛ از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و نظایر آن، که در این زمینه البته پیشرفتهای خوبی داشته ایم؛ اما باید توجه کرد که این پیشرفت ها، وسایل و ابزاری است برای دستیابی به بخش حقیقی و نرم افزاری تمدن اسلام؛ یعنی سبک و شیوه زندگی.

ورود ایشان به مسئله سبک زندگی، و دعوت ایشان از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای پرداختن به این مفهوم مهم و آسیب شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره جویی در این زمینه، بیانگر اهمیت و ضرورت آن است.

البته تبیین همه ابعاد سبک زندگی و تعیین راههای اصلاح آن، کار ساده ای نیست و نیاز به بررسیهای کارشناسانه نخبگان دانشگاه، حوزه و سایر دستگاههای مربوطه دارد. این مهم، با مراجعه به سنت اسلامی که از آبشخور وحی و قرآن و نهج البلاغه و روایات سیراب میشود، امکان پذیر خواهد بود.

یکی از حوزه هایی که در این زمینه باید مورد بررسی دقیق تری قرار گیرد سبک زندگی مسلمانان بر پایه تمدن اسلامی در برخورد با ملل و ادیان دیگر است. متأسفانه مستشرقان و به دنبال آن، سلطه طلبان جهانی، همواره بر آن بوده اند تا چهره ای خشن از مسلمانان ترسیم نموده و ملل دیگر را از امت اسلامی و تعامل با آنان بترسانند و شاید عدم تبیین صحیح سبک زندگی و سیره امت اسلامی با ادیان دیگر و ارائه آن به جهانیان، بهانه ای در دست این بازیگران جهانی داده باشد. مقاله حاضر

برای جبران همین کاستی تدوین شده است.

هرچند پیشینه تاریخی این بحث طولانی است و در صدر اسلام نیز مطرح بوده و در آیات و روایات نیز به صورت پراکنده به آن اشاره گردیده و حتی کتابهای بسیاری نیز توسط اندیشمندان قدیم و جدید پیرامون آن نگاشته شده است، اما در این پژوهشها و تحلیلها، از توجه عمیق به ماهیت کفار و تفکیک اقسام آن و نیز جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی غفلت شده است. از این رو، در مقاله حاضر سعی شده است تا با تفکیک سیره مسلمانان با اقسام مختلف کفار با توجه به اصول اسلامی حاکم بر روابط با ملل و ادیان دیگر، این مسئله با استفاده از آیات و روایات و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت عمیق تر و منسجم تر مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیه تحقیق این است:

اولاً، روابط مسلمانان با ملل دیگر، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و اسلام به آن توصیه مینماید.

ثانیاً، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر ملل دیگر، مادامی که تعرضی از جانب آنان متوجه امت اسلامی نشود بر اساس ارتباط مسالمت آمیز بود.

سؤال اصلی تحقیق این است: سبک زندگی تمدن ساز اسلامی در ارتباط با ادیان دیگر چگونه است؟

سؤالهای فرعی عبارتند از:

1. اصول کلی حاکم بر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، کدام اند؟

2. برخورد پیامبر و مسلمانان با اهل کتاب ذمّی به ویژه یهودیان، چگونه بود؟

3. پیامبر اکرم و مسلمانان نسبت به اهل کتاب معاهد با توجه به پیمانها و نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله چه برخوردی داشته اند؟

4. سیره پیامبر و مسلمانان نسبت به اهل کتاب مهادن چگونه بود؟

5. برخورد پیامبر و مسلمانان با اهل کتاب محارب چگونه بود؟

ساختار کلی تحقیق نیز بر اساس همین سؤالات فرعی تنظیم شده است؛ یعنی ابتدا اصول کلی حاکم بر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، مطرح میگردد و سپس برخورد پیامبر با اهل کتاب ذمّی و بعد اهل کتاب معاهد و مهادن و سرانجام، برخورد ایشان با اهل کتاب محارب مورد مطالعه و بررسی قرار میگیرد.

اصول حاکم بر روابط امت اسلامی با ادیان دیگر

در این تحقیق سعی شده است سبک زندگی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امت اسلامی، در ارتباط با ادیان دیگر در حوزه حقوق و قوانین مدنی ادیان آسمانی یا همان حوزه روابط و مناسبات با غیرمسلمانان تبیین و تحلیل شود. از آن رو که سیره امت اسلامی و پیامبر اکرم برگرفته از قرآن است، ابتدا اصول کلی حاکم بر روابط با غیرمسلمانان را از دیدگاه قرآن بیان نموده، سپس به بررسی سبک زندگی و سیره امت اسلامی با پیروان ادیان دیگر در حوزه حقوق و روابط و مناسبات خواهیم پرداخت.

اصول متعددی را در این زمینه میتوان از قرآن استخراج نمود که در ذیل، به برخی از مهم ترین آنها اشاره میشود:

1. اصل برقراری تعامل و ارتباط با ملل دیگر بر پایه صلح

اصل اولیه در اسلام، برقراری ارتباط با ملل غیراسلامی براساس صلح و زندگی مسالمت آمیز با ایشان است. اسلام، برای تحقق بخشیدن و گسترش صلح در میان ملتها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه، ملتها و دولتهای دیگر را به انعقاد پیمانهای صلح دعوت مینماید. آیات متعددی بر این نکته تأکید دارند. برای نمونه، در آیه ای میفرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (انفال: 61)؛ اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآ؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست. در آیه ای دیگر نیز میفرماید: «ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَأَفْوَءٍ» (بقره: 208)؛ همگی در صلح و آشتی درآید. از دیدگاه قرآن، برای تحقق این هدف باید بر اشتراکات تأکید نمود. برای نمونه، در مورد ارتباط با اهل کتاب، به پیامبر دستور میدهد: «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرد» (آل عمران: 64). قرآن

برخلاف روابط غیراسلامی که اساس روابط را بر اشتراکات قومی، نژادی یا سرزمین مشترک میدانند، اساسی ترین محور روابط بین المللی را اشتراک در همبستگی و پیروی از خداوند میدانند.

بنابراین، همزیستی مسالمت آمیز با دیگران در صورت تمایل آنها به همزیستی و برقراری ارتباط عادلانه، یک اصل می باشد.

2. اصل رعایت ادب در سخن در رابطه با ملل دیگر

خداوند متعال مسلمانان را از اهانت به اعتقادات و ارزشهای غیرمسلمانان نهی میکند و متذکر میشود که پیامد چنین کاری چیزی جز بی احترامی به اعتقادات مسلمانان نخواهد بود؛ چنان که میفرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: 108)؛ هیچ گاه بتها و معبودهای مشرکان را دشنام ندهید؛ زیرا این عمل سبب میشود که آنها نیز نسبت به ساحت قدس خداوند همین کار را از روی ظلم و ستم و جهل و نادانی انجام دهند. قرآن، اصول رعایت ادب در گفتار را نسبت به خرافی ترین ادیان لازم میدانند، بخصوص اگر هدف، برقراری ارتباط بین المللی برای دعوت به پیروی از خداوند و رعایت عدالت در مورد مظلومان و محرومان باشد. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور میدهد که با حکمت و برهان و جدل احسن با مخالفان به مذاکره بپردازد و آنان را دعوت به پذیرش حق نماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْخَيْرِ وَالْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: 125)؛ به وسیله حکمت، به سویی راه پروردگارت دعوت کن و به وسیله اندرزهای نیکو و به طریقی که نیکوتر است به مناظره بپرداز. مراد از حکمت در آیه شریفه این است که هیچ گونه شک و شبهه ای در آن وجود ندارد و «موعظه نیکو»، بیانی است که بر قلب و نفس مخاطب اثر میگذارد و آن را مستعد دریافت پیام میکند؛ زیرا موعظه کننده آنچه را در صلاح حال مخاطب است میخواهد. آنچه در مذاکرات دیپلماسی اسلام مهم میباشد استدلال بر اساس حکمت و موعظه حسن و مناظره احسن و نیکوتر میباشد، برخلاف روابط دیپلماسی غیرمسلمانان که در آن، از مجادله برای فریب دیگران استفاده میکنند. به دلیل اهمیت این قضیه است که خداوند متعال در آیه ای دیگر میفرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت: 46)؛ و با اهل کتاب جز به [شیوه ای] که بهتر است، مجادله نکنید.

3. اصل وفای به عهد و پیمانهای سیاسی در روابط بین الملل

یکی از اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی در روابط با سایر دولت ها، اصل وفای به پیمانهای سیاسی

است. بر اساس این اصل، دولت اسلامی وظیفه دارد نسبت به کلیه معاهده‌ها و پیمان‌هایی که با جوامع دیگر منعقد نموده، تا زمانی که مدت آن پایان نرسیده، ملتزم باشد و هیچ گونه خدعه و نیرنگ را به کار نیندد. اصل معاهده از اساسی‌ترین اصولی است که کشور اسلامی، تحت هیچ شرایطی حق به هم زدن آن را ندارد، مگر اینکه طرف مقابل آن را نقض کند. خداوند در قرآن میفرماید: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (اسراء: 34)؛ به عهدها وفا کنید! و در جایی دیگر میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: 1)؛ ای مؤمنان به پیمان‌هایی که بسته‌اید پایبند باشید. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز در ایام حکومتشان پیمان‌های متعددی با مخالفان خود بستند و تا آخر به پیمان‌های خود پایبند ماندند، مگر اینکه مخالفان آن را نقض کردند.

اما در کنار این اصول، اصل مسلم دیگری به نام «اصل برتری و عزت اسلام در روابط با ملل دیگر» وجود دارد که بر همه این قواعد و اصول حاکم است.

4. اصل عزت و برتری اسلام در روابط با ملل دیگر

از دیدگاه قرآن، اصل مسلم در رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان، اصل برقراری ارتباط بر اساس برتری و عزت اسلام است؛ یعنی هرگونه رابطه بین مسلمانان و کفار، که موجب نفوذ و گسترش سلطه کافران بر مسلمانان شود، حرام است و قرآن آن را جایز نمی‌داند. دلیل آن نیز قاعده «نفي سبيل» است که برگرفته از آیات قرآنی زیر است:

1. «... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء:

141)؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

2. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْأُمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَلَّذِينَ كَفَرُوا أَلْمُتَّاعِينَ»

«لا یعلمون» (منافقون: 8)؛ عزت، از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند.

در این آیه شریفه، به صراحت از عزت و سربلندی مسلمانان، سخن به میان آمده است و مفهوم آن این است که قرآن، مقررات و روابطی را که موجب ذلت مسلمانان شود امضا نخواهد کرد. این آیات حاکی از اهمیت عزت مسلمانان میباشد؛ مسئله‌ای که به هیچ عنوان با منافع ملی و مانند آن، قابل معاوضه و توجیه پذیر نخواهد بود.

بررسی سیره امت اسلامی با پیروان ادیان دیگر در حوزه حقوق و روابط و مناسبات را با بیان اقسام مهم ترین بخش غیرمسلمانان، یعنی اهل کتاب، ادامه می‌دهیم:

به طور کلی، اهل کتاب را میتوان دست کم به چهار گروه تقسیم نمود:

1. اهل کتاب ذمّی: اقلیت غیرمسلمان که در قلمرو اسلامی زندگی کرده و از قوانین کشور اسلامی تبعیت میکنند و حکومت اسلامی از امنیت، ناموس، جان، مال و آبرو و خانواده آنها محافظت میکند و در ازای آن مالیاتی به نام «جزیه» (مالیات سرانه سالانه) از آنها میگیرد که همان پاداش دفاع از حقوق آنان است (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، 1382، ج 7، ص 355).

البته مسلمانان تا آن زمان عهده دار تأمین نیازهای یادشده کفار ذمّی هستند که کافران به شرایط ذمّی عمل کنند و مالیات ویژه ای را که تحت عنوان «جزیه» به بیت المال مسلمانان میپردازند، قطع نکنند.

2. اهل کتاب معاهد: غیرمسلمانانی که با کشور و دولت اسلامی عهد و پیمان و مناسبات دوستی (مانند پیمانهای تجاری، فرهنگی و غیره) دارند و با یکدیگر سفیر مبادله میکنند و از طریق سازمانهای بین المللی تعهداتی را میپذیرند و با یکدیگر در صلح و مسالمت به سر میبرند.

3. اهل کتاب مهادن: غیرمسلمانانی که با دولت اسلامی معاهداتی ندارند، اما نسبت به مسلمانان مزاحمت و ستیزی هم ندارند؛ دولت اسلامی با این گروه با رعایت اصول انسانی و اخلاقی رفتار میکند (عمیدزنجانی، 1373، ج 3، ص 233).

اهل کتاب محارب: گروهها و کشورهایی که غیرمسلمانند و با مسلمانان در جنگ و ستیزند و یا به پیمان شکنی و کارشکنی بر ضد حکومت اسلامی مشغولند. دولت اسلامی و مسلمانان در مقابل این گروه، هیچ گونه تعهدی ندارند.

در ادامه، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امت اسلامی را در ارتباط با هر یک از چهار گروه به اختصار تبیین و تحلیل مینماییم:

1. سیره امت اسلامی در تعامل با اهل کتاب ذمه‌ی

همان گونه که بیان شد، در این تحقیق سیره امت اسلامی را با پیروان ادیان دیگر با الگوگیری از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مورد بررسی قرار میدهیم.

با بررسی سیره پیامبر و آموزه‌های قرآنی، روشن میشود که التزام به رعایت حقوق مدنی اقلیتها و اهتمام به حفظ حقوق اجتماعی و احترام به اموال و حقوق مالکانه اقلیتها دینی برای امت اسلامی و پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار مهم بود. سیره شاگرد مکتب پیامبر، یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در این زمینه، درس آموز است. «حضرت علی علیه السلام در دوران فرمان رویی خود، در راه خود به سوی کوفه، با مردی از اقلیتها مذهبی برخورد نمود و از آنجا که قسمتی از مسیر هر دو مشترک بود، توافق کردند که در مسیر مشترک با یکدیگر مصاحبت کنند. راه را به زودی با گفت و گو و مصاحبت دوستانه طی نموده و به سر دوراهی که باید از هم جدا میشدند رسیدند. لکن حضرت راه خود را به سویی که همسفرش میرفت ادامه داد. مرد با شگفتی تمام پرسید: مگر مقصد تو کوفه نیست؟ امام با کمال مهربانی پاسخ داد: آری، اما میخواهم مقداری تو را مشایعت کنم؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه دو نفر در یک راه با یکدیگر مصاحبت کنند حقی بر یکدیگر پیدا میکنند. اکنون تو حقی بر من پیدا کردی من به خاطر این حق که بر گردن من داری، میخواهم چند قدم تو را مشایعت کنم و بعد به راه خود خواهم رفت. مرد (یهودی یا مسیحی) با حالتی منقلب که گویی حقیقت را یافته است گفت: پیامبر شما که اینچنین نفوذ و قدرتی در میان مردم پیدا کرد و به این سرعت دینش در جهان رایج شد حتما به علت همین اخلاق کریمه اش بوده است» (کلینی، 1364، ج 2، ص 37).

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرارداد ذمه‌ی یا اتحاد ملی، یکی از راه‌هایی است که رابطه حقوقی بین جامعه اسلامی و اقلیتها شناخته شده را مشخص میکند و به موجب آن، مسئولیتها متقابل اکثریت مسلمان و اقلیت دینی شکل میگیرد.

دولت اسلامی موظف است با تمام امکانات و اقتدار خود، امنیت مالی، جانی و ناموسی اقلیتها را حفظ و آزادیهای لازم را برای آنان تضمین نماید و حتی بر دولت اسلامی واجب است که اگر اقلیت دینی با اختیار خود تصمیم به پذیرش قرارداد ذمه‌ی گرفت، از آن استقبال نموده و بپذیرد. جامعه اقلیت نیز

به موجب مسئولیت متقابل، باید به قوانین اسلامی احترام گذاشته و در هزینه‌های تضمین امنیت داخلی و خارجی مشارکت نماید.

البته قرارداد ذمه با آزادی اراده و بدون اجبار و تحمیل، توسط اقلیتهای دینی امضا میشود و آنان میتوانند به جای امضای آن، به سرزمین دیگر مهاجرت نمایند و دولت اسلامی مؤظف است امنیت آنان را تا رسیدن به منطقه امن تأمین نموده و از آنان حمایت نماید. البته قرارداد ذمه تنها راه تنظیم روابط متقابل جامعه اسلامی و اقلیتهای دینی نیست، بلکه علاوه بر قرارداد ذمه، راه دیگری که در برخورد با اقلیت غیرمسلمان وجود دارد، ایجاد اتحاد ملی و تشکیل ملت واحد از طرفین، براساس میثاق مشترک است که پیمان عمومی مدینه (قانون اساسی پیامبر) مؤید آن است.

برای تبیین بیشتر بحث، به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با دو گروه از اقلیتهای دینی، یعنی یهود و نصارا، به طور خاص اشاره مینماییم:

الف) برخورد پیامبر با یهودیان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت و ورود به مدینه، از جمله اقدامات مهمی که انجام داد تنظیم روابط متقابل جامعه اسلامی و اقلیتهای دینی بود که تمام شهروندان دولت اسلامی اعم از مؤمنان، و اهل کتاب را شامل میشد. این امر در قالب پیمان عمومی مدینه به خوبی مطرح شده است. این قانون و پیمان عمومی، حدود و اختیارات رهبر و مسئولیتهای عموم مردم را روشن میکرد و نمونه کاملی از روح آزادی عقیده، رفاه اجتماعی، و لزوم همکاری در امور همگانی اسلام بود.

این پیمان عمومی که در 15 قرن پیش منتشر شد، منشور مقدسی بود که بخشی از قانون اساسی حکومت پیامبر محسوب میشد و امروز نیز برای حل مشکلات اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان سودمند است.

ویژگی عمده این قانون اساسی، احترام به مخالفان و رسمیت بخشیدن به حقوق اقلیتهای دینی است.

متن پیمان عمومی یا قانون اساسی پیامبر: متن پیمان عمومی که به «موادعه یهود» معروف است، توسط ابن هشام و ابوعبید در کتاب الاموال ذکر شده است. در ذیل، بخش‌هایی از آن را به نقل از ابن هشام

بیان میکنیم: «بسم الله الرحمن الرحيم. این نوشته ای است که محمد (ص) بین مسلمانان قریش و یثرب و کسانی که به ایشان ملحق میشوند و به همراهشان جهاد میکنند. آنان ملتی واحد را تشکیل میدهند. مهاجرین در پرداخت دیه و فدیة بر آداب پیش از اسلام باقی اند و به نیکی و عدالت آن را میپردازند. بنی عوف، بنی ساعده، بنی حارث، بنی چشم، بنی نجار، بنی عمرو بن عوف، بنی نبیب و بنی اوس هم بر رسوم پیش از اسلام باقی اند... هر یهودی از ما پیروی کند یاری میشود و با دیگر مسلمانان مساوی است، بر او ستم نمی شود و دشمنش یاز نمی گردد...»

یهود هنگام جنگ همراه مسلمانان هزینه جنگی را میپردازند. یهود بنی عوف و بندگان نشان با مسلمانان در حکم يك ملت اند. یهودیان دین خود را دارند و مسلمانان دین خود را؛ اما هر که ستم کند، خود و خانواده اش را به هلاکت خواهد انداخت. برای یهودیان بنی نجار، بنی حارث، بنی ساعده، بنی چشم، بنی اوس، بنی ثعلبه، جفنه بنی ثعلبه و بنی شطیبه همان حقوق بنی عوف ثابت است. نزدیکان ایشان هم از این مزایا برخوردارند... یهود اوس و موالی شان نیز از این حقوق برخوردارند» (ابن هشام، بی تا، ج 1، ص 501).

این قرار داد همان گونه که از متن آن استفاده میشود، بین مهاجران و قبایل مسلمان و یهودی انصار بسته شده است؛ یهودیانی از انصار که بومی مدینه و عرب بودند و در تماس با یهودیان مهاجر یهودی شده بودند. یعقوبی درباره این گروه میگوید: «گروهی از اوس و خزرج به خاطر همسایگی با یهود، آیین یهود را برگزیدند» (یعقوبی، 1413ق، ج 1، ص 37).

اما این قرارداد، تمام غیرمسلمانان اعم از یهودی و غیریهودی را شامل میشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر پیمان عمومی، قراردادی نیز با یهودیان مهاجر مدینه، یعنی با یهودیان بنی قریظه و بنی نضیر و بنی قینقاع، امضا نمودند مبنی بر اینکه یهودیان هرگز به ضرر رسول خدا و یاران وی قدمی برندارند - که بحث آن خواهد آمد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امضای قراردادهای مذکور، ثابت کردند که طرفدار صلح و زندگی مسالمت آمیز با اقلیتهای دینی هستند.

یهودیان نیز در کنار پیامبر و مسلمانان، آزادانه به داد و ستد پرداخته و کالاهای خود را در بازار مسلمانان به فروش میرساندند و در تجارت و داد و ستد و فعالیتهای اجتماعی و مذهبی آزاد

بودند. «پیامبر اسلام نیز شخصا در مراسم اجتماعی آنان شرکت میکرد. و از آنان قرض میگرفت و به عیادت بیمارانشان میرفت و در مراسم تشییع جنازه یهودیان شرکت و با آنان ابراز همدردی مینمود و مانند يك فرد عادي با آنان معامله میکرد» (کریمی نیا، 1385).

به طور کلی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت اسلامی و الهی خود را به همه، از جمله یهودیان، ابلاغ مینمود، اما هیچ گاه آنان را به ترک دین و عقاید خود مجبور نکرد. برای مثال، پیامبر به مدارس و دیگر مکانهای متعلق به یهودیان احترام میکرد و متعرض فعالیتها تبلیغی و عملی آنان نمی شد و گاهی در مدارس یهودیان حاضر میشد و با «جدال احسن» با آنان بحث میکرد. آن حضرت از زبان الحاد و تکفیر و تحقیر ادیان آنان استفاده نمی کرد و حتی در مقابل پیمان شکنیهای آنان، در مجازاتشان حد اعتدال را رعایت، و بسیار ملایم تر از مردم قریش و دیگر قبایل با آنها برخورد مینمود.

ب) برخورد پیامبر با نصارا

موضع مسیحیان در برابر اسلام نسبت به مشرکان و یهود نرم تر بود. مسیحیان جزیره العرب، برخی شیفته اسلام شده و آن را پذیرفتند و برخی همچنان مسیحی ماندند، اما هیچ گاه از سوی پیامبر مجبور به تغییر عقیده، و پذیرش اسلام نشدند و موضع پیامبر نسبت به آنان همواره همراه با عطف و ملایمت بود. از این رو، وقتی به سران مسیحی، از جمله نجاشی، نامه میفرستد، از حضرت مسیح و مادرش مریم به نیکی یاد میکند و در آخر نامه به نجاشی، خیرخواهانه میگوید: «همانا من تو را به سوی خدای بزرگ میخوانم و من ابلاغ رسالت نموده و تو را نصیحت کردم؛ پس اندرز مرا بپذیر، درود بر پیروان هدایت باد» (ابن هشام، بی تا، ج 1، ص 295).

قبایل و دستهای مختلف مسیحی در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، از حمایت او و مسلمانان برخوردار بودند و مسلمانان براساس پیمان صلحی که با مسیحیان بسته بودند از منافع و حقوق آنان حمایت میکردند. برای نمونه، پس از آنکه مسیحیان نجران از مباحله با پیامبر مأیوس شدند، صلح نامه ای با پیامبر امضا کردند. براساس این صلح نامه، آنان در برابر پرداخت مالیات، در انجام دستورات آیین خود از آزادی برخوردار بودند. در فرازی از این صلح نامه آمده است: «مردم مسیحی نجران و حاشیه آن در سایه خداوند و ذمه محمد، پیامبر خدا، هستند که دارایی، جان، دین، افراد غایب و حاضر، خانواده آنان و تجارت و آنچه از کم یا زیاد در اختیار دارند، همه محفوظ و در امان است. هیچ اسقف یا راهب یا کاهنی از آنان، از مقام خود عزل نمی شود و به آنان اهانتی نخواهد شد»

از این صلح نامه استفاده میشود که حکومت اسلامی پیامبر از ضعف مخالفان سوءاستفاده نمی کرد تا به آنان زور بگوید، بلکه در تمام لحظات روح مسالمت آمیز، دادگری و اصول انسانی را در نظر میگرفت.

خلاصه اینکه سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در برخورد با اهل کتاب ذمی، بخصوص یهود و نصارا، صلح جویانه و انسانی بود و بارها در دستورالعملهای حکومتی خود، از فرمانداران و استانداران خود میخواست که نسبت به یهود و نصارا مانند مسلمانان برخورد کنند.

برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در يك دستورالعمل به عمرو بن حزم که او را به یمن فرستاد تا مردم را به تعالیم اسلام فراخواند، نوشت: «هر یهودی و یا نصرانی که مسلمان شود و اسلام پاک و خالصی اظهار نماید، از جمله گروه مؤمنان و مسلمانان است؛ هر آنچه مسلمانان دارند شامل او نیز میشود... و هر که در یهودیت یا نصرانیت خود باقی بماند هرگز مجبور به ترك دین خود نمی شود» (کریمی نیا، 1385).

2. سیره امت اسلامی در برخورد با اهل کتاب معاهد

امت اسلامی به تأسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به ملیتها به ویژه اهل کتاب و استقلال داخلی آنان احترام میگذاشتند و با وجود جهانی بودن دین اسلام، موجودیت قبایل، ملتها و ادیان دیگر را حفظ میکردند. دلیل این ادعا، پیمان نامه هایی است که پیامبر با ملتهاي مختلف از اهل کتاب امضا نموده اند. در تمامی این موارد، تا هنگامی که ملتهاي غیرمسلمان به پیمان خود وفادار بودند، پیامبر نیز آن را محترم شمرده و آن را نقص نمی کرد؛ چون نقص پیمان از گناهان بزرگ است.

یکی از محققان در این باره مینویسد: «در اندیشه سیاسی اسلام، صلح و همزیستی به عنوان اساسی ترین اصل در مناسبات بین المللی منظور گردیده و به همین دلیل، در حقوق اسلامی بهره برداری از فرصتهای مناسب برای تحکیم و برقراری شرایط و پیمانهای صلح در روابط خارجی جامعه اسلامی پیش بینی شده است. اسلام برای تحقق بخشیدن و گسترش حالت صلح در میان ملتها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه و درگیریهای خونین، نه تنها برای قراردادهای و معاهدات بین المللی ارزش حقوقی فوق العاده قایل شده، بلکه اصولاً ملتها و گروههای دیگر را نیز برای انعقاد پیمانهای صلح دعوت کرده و به

جامعه اسلامي توصیه نموده است که در این زمینه همواره پیش قدم باشند» (عمیدزنجانی، 1373، ج 3، ص 505).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمایل داشت با انعقاد پیمانها و تأکید به همه در لزوم وفای به قراردادهای، زمینه تیرگی روابط و فلسفه جنگ و ستیز از بین برود. ایشان حتی پیش از بعثت بر اصل تنظیم روابط عادلانه میان قبایل، بر پایه پیمان اصرار میورزید و مکرر میفرمودند: «... من در خانه عبدالله بن جدعان در جاهلیت شاهد بستن پیمان مشترک جهت حمایت از مظلومان، میان نمایندگان قبایل مختلف عرب بودم... اگر در اسلام به چنین پیمانی دعوت شوم فوراً اجابت خواهم کرد» (همان، ص 503).

شواهد و نمونه هایی از پیمان صلح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل کتاب معاهد

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعداد زیادی از پیمانهای صلح و همکاری با اهل کتاب معاهد دیده میشود که در اینجا تنها به چند نمونه آن اشاره میشود:

1. پیمان با رئیس مسیحیان ایلا: در این پیمان آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، این تضمینی است از طرف خدا و محمد پیامبر خدا به پوحنابن رعبه و مردم ایلا. به موجب این پیمان، کشتیها و وسایل نقلیه، در خشکی و دریا تحت حمایت و امان خدا و محمد پیامبر خدا هستند و تمام کسانی که همراهشان هستند، چه از شام و چه از یمن، در امان اند... بر مردم ایلا حرام است که مانع آب شوند و یا سد طریق نمایند» (ابن هشام، بی تا، ج 1، ص 974).

2. پیمان عدم تجاوز با یهودیان مهاجر مدینه: یهودیان مدینه که از جمله اقلیتهای دینی پیامبر بودند به دو دسته تقسیم میشدند:

دسته اول: یهودیان انصار، از قبایل بومی اوس و خزرج، که در تماس با یهودیان مهاجر یهودی شده بودند.

دسته دوم: یهودیان مهاجر که از مناطق شامات به مدینه هجرت نموده و منتظر پیامبر موعود بودند و شامل سه قبیله بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه میشدند که در اطراف مدینه ساکن بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا یهودیان انصار را از طریق پیمان عمومی مدینه با خود متحد

ساخت و سپس پیمان دیگری با یهودیان مهاجر که پیمان عمومی را امضا نکرده بودند منعقد نمود که خلاصه آن، بنا بر نقل طبرسی در اعلام الوری چنین است: یهودیان مهاجر نزد پیامبر آمده و گفتند: «اکنون آمده ایم با تو صلح کنیم که به سود یا زیان تو نباشیم و کسی را علیه تو یاری نکنیم و متعرض یارانت نشویم. تو هم متعرض ما و دوستانمان نشوی، تا ببینیم کار تو و قومت به کجا میانجامد. پیامبر پذیرفت و میان آنان قراردادی نوشته شد که یهود نباید علیه پیامبر یا یکی از یارانش با زبان، دست، اسلحه، مرکب اقدامی انجام دهد و خداوند بر این پیمان گواه است» (طبرسی، 1417ق، ج 1، ص 157).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ گاه پیمانهای خود را نقض نکرد و تا زمانی که پیمان شکنی از طرف مقابل صورت نمی گرفت به آن احترام می گذاشت. هرچند یهودیان انصار به دلیل اوس و خزرجی بودنشان کمترین تنشها را با مسلمانان داشتند و کم کم اسلام آوردند، اما یهودیان مهاجر به دلایل مختلف از همکاری و همراهی با مسلمانان سر باز زدند و به تضعیف روحیه مسلمانان پرداختند و به نقض پیمان رو آورده و پنهان و آشکار با دشمنان پیامبر همکاری کردند. ولی مسلمانان به دستور پیامبر در برابر اقدامات یهودیان هیچ گونه تعرضی به آنان نمی کردند و همواره در حفظ صلح و امنیت مدینه میکوشیدند و اعمال و رفتار تحریک آمیز یهودیان را نادیده می گرفتند و از نفاقشان چشم می پوشیدند و آنان را با مسلمانان برابر می گرفتند.

در مجموع، رفتار مسالمت آمیز پیامبر و امت اسلامی با اهل کتاب معاهد باعث شد تا افراد، گروهها و هیأت‌های مذهبی فراوانی آزادانه به مدینه مهاجرت نمایند.

برای نمونه، برخی از این هیأت‌ها به نمایندگی از پادشاه حبشه و شاهان حمیر به مدینه اعزام شده بودند و آزادانه به تفحص و گفت و گو می پرداختند و گروهی نیز آزادانه مسلمان شدند. حتی شخص پیامبر نیز وقتی مسیحیان به دیدنش می آمدند ردایش را می گسترده و ایشان را بر آن مینشانند و با کمال تواضع، خانه ای در مدینه برای پذیرایی از میهمانان اختصاص داد و برخی از این میهمانها با سفارش پیامبر در منزل بعضی از اصحاب پذیرایی میشدند.

3. سیره امت اسلامی در برخورد با اهل کتاب مهان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواستار تحقق شرایطی بود که ملتها بتوانند در انتخاب مکتب و جهان بینی خاص خویش تصمیم بگیرند و در صورت روشن شدن حق، آزادانه عقیده توحیدی را بپذیرند. لازمه

این رسالت آن بود که قدرتهای سلب کننده آزادی ملتها که در حقیقت، مانع تحقیق و گرایش به آیین الهی میشوند از سر راه کنار بروند. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران دولتهای معاصر خود، نامه مینویسد و آنان را به قبول آیین اسلام توصیه میکند تا با اسلام آوردن آنها، مردم سرزمین آنها نیز اسلام بیاورند. حضرت همچنین در این نامه ها، نتیجه سربلندی از این دعوت الهی را مجازات اخروی اعلام میکند.

در اینجا به نمونه هایی از نامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمام داران اشاره مینماییم:

الف. نامه به قیصر روم: «بسم الله الرحمن الرحيم. از محمد فرزند عبدالله، به هرقل بزرگ و پادشاه روم. درود بر آنان که پیروی از حق کنند. تو را به اسلام دعوت میکنم. اسلام آور تا در امان و سلامت باشی... اگر از آیین اسلام روی گردانی، گناه اریسیان - نژاد رومی و جمعیت کارگران - نیز با تو خواهد بود. ای اهل کتاب! ما شما را به يك اصل مشترك دعوت میکنیم که غیر از خدا را نپرستیم، کسی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به خدایی نپذیرد...» (احمدی میانجی، بی تا، ج 1، ص 97).

ب. نامه به زمامدار مصر: «بسم الله الرحمن الرحيم. از محمد فرزند عبدالله، به مقوقس، بزرگ قبطیان. درود بر پیروان حق باد و من تو را اسلام دعوت میکنم. اسلام را بپذیر تا سالم بمانی... اگر از قانون اسلام سر باز زنی، گناه قبطیان بر تو خواهد بود. ای اهل کتاب! ما شما را به يك اصل مشترك دعوت میکنیم که غیر از خداوند یگانه را نپرستیم...» (مکارم شیرازی و دیگران، 1382، ج 2، ص 452).

ج. نامه به پادشاه حبشه: «بسم الله الرحمن الرحيم. نامه ای است از محمد پیامبر خدا به نجاشی زمامدار حبشه. درود بر شما. من خدایی را که جز او خدایی نیست ستایش میکنم... گواهی میدهم که عیسی فرزند مریم روحی از جانب خدا و کلمه ای است که در رحم مریم زاهد و پاکدامن قرار گرفته است... من تو را به سویی خدای یگانه که شریک ندارد دعوت میکنم... ایمان به خدایی آورید که مرا به رسالت خود مبعوث فرمود...» (ابن سعد، 1957م، ج 1، ص 259).

از مجموع نامه های پیامبر به سران کشورها روشن میشود که اسلام از همان آغاز، فکر همزیستی

مسالمت آمیز با پیروان ادیان الهی را مطرح ساخته است. از این رو، در نامه‌های مذکور، بر روی دعوت به توحید، که نقطه اشتراک تمام ادیان است، تأکید بیشتری شده است؛ زیرا در اسلام، اصالت با صلح و استفاده از روش‌های مسالمت آمیز و دعوت به اصول مشترک است.

و فلسفه جهاد در اسلام نیز برای کسب آزادی و برداشتن موانع دعوت منطقی به اسلام و جلوگیری از نقض پیمان هاست که متوجه ستمگران و ظالمان است نه ملتها و مردم. از این رو، تا زمانی که زمام داران غیرمسلمان تعرضی به پیامبر و اسلام نداشته و پیمان شکنی نمی‌کردند تعرضی به آنها صورت نمی‌گرفت (ر.ک: حج: 39-41؛ بقره: 190-192؛ نساء: 75؛ توبه: 36).

4. سیره امت اسلامی در برخورد با اهل کتاب محارب

در میان اهل کتاب محارب، یهودیان بیشترین برخورد را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز هجرت خود به مدینه در راستای سیاست صلح جویانه خود با یهودیان مدینه که در اطراف شهر زندگی میکردند پیمان عدم تجاوز امضا نمود. این گروه که شامل یهودیان بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه میشدند، پس از دو سال مجادله و ایجاد شک و تردید و احیاناً اهانت زبانی (جنگ سرد) که با رأفت و بردباری پیامبر همراه بود، سرانجام به جنگ مسلحانه روی آوردند و نقض پیمان کردند.

ابتدا قبیله بنی قینقاع با نقض پیمان خود، مسلمانان را در بازار یثرب به قتل رساندند و پیامبر در مقابل این عمل یهودیان، ضمن خودداری از پیکار نظامی، آنان را وادار کردند تا با تحویل سلاح، سرزمین مدینه را ترک کنند.

یهودیان بنی نضیر نقشه قتل پیامبر را ریخته و تصمیم گرفتند تا با پرتاب سنگ بزرگی از بالا، به حیات پیامبر خاتمه دهند، اما خداوند او را آگاه ساخت و پیامبر با محاصره قلعه بنی نضیر، دستور دادند تا یهودیان با تحویل سلاح به همراه اموال منقول خود مدینه را ترک کنند.

یهودیان بنی قریظه هم در جنگ احزاب برخلاف پیمان صلح، با مشرکان مکه همکاری نمودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از جنگ احزاب، دژ بنی قریظه را محاصره و با داوری سعد بن معاذ که توسط یهودیان پذیرفته شده بود، مردان آنان را اعدام و اموال آنان را مصادره کرد.

قبیله بنی قریظه بارها رأفت پیامبر را تجربه کرده بودند، اما بردباری پیامبر هم حد و اندازه ای داشت و نمی توانست مصلحت اسلام و امت اسلامی را دستخوش مسائل عاطفی نماید.

در چنین شرایطی، سیره پیامبر و امت اسلامی در برخورد با محاربان، برخورد دفاعی بوده و پیامبر مجبور بود برای دفاع از حق، با پیمان شکنان برخورد انقلابی نماید، وگرنه تا زمانی که تعرضی از جانب آنان علیه پیامبر و امت اسلامی صورت نمی گرفت با برخورد صلح جویانه و مسالمت آمیز پیامبر و مسلمانان مواجه بودند.

نتیجه گیری

غیرمسلمانانی که در برابر مسلمانان قرار دارند عمدتاً شامل کفار ذمی، معاهد، مهادن و محارب میشوند. سبک زندگی و سیره امت اسلامی در حوزه روابط و مناسبات با اهل کتاب ذمی همراه با مسامحه و دعوت به همکاری و احترام متقابل است.

چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پس از هجرت از مکه به مدینه، و پس از تشکیل حکومت اسلامی، در اولین اقدام با تدوین نخستین قانون اساسی و پیمان عمومی با اهل کتاب ذمی، آنان را به زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر دعوت نمودند و در کنار آن با قرارداد جزیه، اهل کتابی را که در قلمرو اسلامی زندگی میکردند در حمایت محافظت خود قرار داده و به عقاید آنان احترام گذاشتند.

سیره امت اسلامی با کفار معاهد نیز بر اساس صلح با حفظ عزت و حکمت و مصلحت است. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار پیمان صلح و همکاری، هیچ گاه آنان را مجبور به پذیرش اسلام نکردند. به گونه ای که همین برخورد مسالمت آمیز موجب شد تا افراد و گروههای زیادی به مدینه سفر کرده و پس از آشنایی با اسلام شیفته آن شده و برخی از آنان مسلمان شوند.

سیره امت اسلامی با کفار مهادن نیز بر اساس صلح و عدم تعرض بود. پیمانهای صلح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهودیان مهاجر مدینه و مسیحیان مناطق مختلف و نیز نامه هایی که پیامبر برای

سران کشورهای ایران، روم، مصر، حبشه و غیره فرستاد مؤید این ادعاست. بنابراین، تا زمانی که پیروان ادیان دیگر تعرضی به مسلمانان و پیامبر نمی کردند اقدامی علیه آنان انجام نمی گرفت و حتی گاهی با مسامحه از کارشکنیهای آنان صرف نظر میشد. اما برخورد مسلمانان با اهل کتاب محارب به گونه ای دیگر است؛ زیرا بر اساس اصل عدم ذلت و ظلم پذیری و اصل عدم پذیرش سلطه کفار، باید در برابر محاربان با شدت برخورد کرد و از مسلمانان و کیان اسلام دفاع نمود، هرچند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل آزارهای کفار محارب تا مجبور نمی شدند با آنان برخورد شدید نمی کردند. ولی به خاطر کارشکنیهای بیش از حد و سوءاستفاده آنان از سعه صدر پیامبر و مسلمانان، سرانجام با آنان درگیر میشدند که این برخورد نیز کاملاً دفاعی بود.

بنابراین سبک زندگی و سیره امت اسلامی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حوزه روابط و مناسبات با اهل کتاب غیرمحارب همراه با مسامحه و دعوت به همکاری و صلح بود؛ یعنی برقراری صلح و زندگی مسالمت آمیز با دیگر ملتها از اصول اسلامی در روابط بین المللی میباشد و این ارتباط بین المللی زمانی برقرار خواهد شد که برقرارکنندگان ارتباط، به ارزشهای طرف مقابل اهانت نکنند و با حکمت و برهان و جدال احسن به مذاکره بپردازند و بر اشتراکات تکیه نمایند.

منابع

ابن سعد، محمد (1957م)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر و دار بیروت.

ابن هشام (بی تا)، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه.

احمدی میانجی، علی (بی تا)، مکاتیب الرسول، تهران، یس.

طبرسی، احمد بن علی (1417ق)، اعلام الوری، قم، مؤسسه آل البیت.

عمیدزنجانی، عباسعلی (1373)، فقه سیاسی، ج دوم، تهران، امیرکبیر.

فاروق حماده (1997م)، التشريع الدولي في الاسلام، مراکش، کلبه الادب والعلوم الانسانیه بالرباط.

کریمی نیا، محمد مهدی، «سیره و رفتار مسالمت آمیز پیامبر اعظم با غیرمسلمانان» (تابستان 1385)،

کلینی، محمد بن یعقوب (1364)، اصول کافی، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، تهران، نور.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (1382)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

یعقوبی، احمد بن یعقوب (1413ق)، تاریخ الیعقوبی، تحقیق مهنا، بیروت، مؤسسه الاعلمی.